

## جستاری در باره حامیان، اندیشه‌ها و ماهیت دولت احمدی نژاد.

### فرهاد شعبانی

کمتر کسی دیدار احمدی نژاد بعد از پیروزی با آیت الله محمد تقی مصباح یزدی در قم را جدی گرفت. این دیدار، رویداد مهمی بود. همانطوریکه در این مبحث نشان خواهیم داد، احمدی نژاد بعنوان کاندید " ائتلاف آبادگران"، عروج خود به مقام ریاست جمهوری را مدیون فعالیت سازمانیافته تشکیلات وسیع و گسترده سپاه پاسداران و نیروهای بسیج که به وسعت جغرافیای ایران گسترده‌اند، سربازان گمنام امام زمان ( جاسوسان و خبرچینان وزارت اطلاعات)، شماری از مداحان و روضه خوانان، روزنامه کیهان، هفته‌نامه یالثارات حسین، نشریه پرتو سخن، موسسه آموزشی- پژوهشی امام خمینی و آیت الله محمدتقی مصباح یزدی بعنوان یکی از نظریه پردازان این جریان است. لذا تردیدی نبود اولین کسی که می بایست به دیدارش می‌شتافت، مصباح یزدی باشد.

موارد زیر تنها نمونه‌هایی از تلاشهای مصباح و مریدانش برای پیروزی احمدی نژاد است :

"مصباح یزدی به شاگردان و اطرافیان خود توصیه کرده بود که همگی برای پیروزی "احمدی نژاد" درانتخابات نهمین دوره ریاست جمهوری، ۵شنبه را روزه بگیرند، شب جمعه را نماز امام زمان(عج) را اقامه کنند تا خداوند با پیروزی احمدی نژاد به ملت ایران کمک کند تا بتوانند عدالت را در جامعه به طوری که شایسته ملت مسلمان ایران است ، پی ریزی کنند".

" مصباح یزدی : شرکت درانتخابات مثل نماز واجب است".

این چند نمونه تنها گوشه بسیار اندکی است از سرتیتر روزنامه‌ها وسایتهای اینترنتی درباره حمایت مصباح ومریدانش ازاحمدی نژاد.

پرسش اینجاست چرا درمیان همه کاندیدهای جناح راست احمدی نژاد مورد حمایت سپاه پاسداران و بسیج و دیگر نیروهای امنیتی و نظریه پرداز این جریان مصباح یزدی و همفکرانش قرار گرفت؟ رئیس جدید قوه مجریه رژیم اسلامی ایران به جریانی تعلق دارد که یکی از لایه‌های درونی جناح راست ومحافظه کار نظام اسلامی را تشکیل می دهند. لایه‌ای که همراه با کل جناح محافظه کار در خرداد سال ۷۶ با تسلط جناح "اصلاح طلب حکومتی" بر قوه مجریه به سایه رفت، اما این جریان؛ علی‌رغم افشای جنایاتش ( قتل‌های زنجیره‌ای ) توسط برخی از اصلاح طلبان حکومتی، هیچوقت نفوذ و تسلط سنتی خود بر قوه قضائیه ونهادهای امنیتی از جمله : وزارت اطلاعات، اطلاعات سپاه پاسداران و بسیج، ودیگر ارگانهای امنیتی موازی با قوه قهریه

رسمی نظام از جمله : انصارحزب الله و لباس شخصی ها را از کف نداد، بلکه طی سالهای حاکمیت اصلاح طلبان حکومتی کاشتن شاگردان مدرسه حقانی و نفوذ پدرمعنوی آنها (مصباح یزدی) در این نهادها افزایش یافت. اضافه کنم که تمایل ویژه رهبران و طلبه های مدرسه حقانی به نهادهای امنیتی و قضائی نظام اسلامی حاکم بر ایران یک استراتژی آگاهانه و پشتوانه منافع مادی خاصی است. از ۴ وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی نامقطع خرداد ۷۶، سه تن از آنها از شاگردان مدرسه حقانی قم بوده اند و همچنین بسیاری از روحانیون بلند پایه این وزارت خانه و قضات عالی رتبه دستگاه قضائی و دادگاه ویژه روحانیت نیز از شاگردان این مدرسه اند.

تصرف قوه مجریه توسط کاندید مورد حمایت این گرایش در جریان نمایش نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری بر خلاف تصور غالب نه تنها خلع الساعه نبود، بلکه طی پروسه ای صورت گرفت که گذشته آن به همان سالهای اوائل بعداز دوم خرداد ۷۶ برمیگردد.

بدنبال کشتارنوویسندگان، فعالین سیاسی و فرهنگی در دولت رفسنجانی و اقتدار فلاحیان، سعیدامامی و روح الله حسینان بر وزارت اطلاعات که به قتلهای زنجیره ای معروف شد و همه آنها براساس فتوای برخی از مراجع مذهبی صورت گرفت، در دولت خاتمی وزارت اطلاعات و دیگر نهادهای امنیتی سپاه، بسیج و قوه قهریه موازی هم به جزء تغییراتی ظاهری همچنان دست نخورده و در عنان قدرت شاگردان مدرسه حقانی باقی ماندند. بعداز دوم خرداد هم دستگاههای امنیتی رژیم و سپاه پاسداران نیز در زیر آتش تویحانه مراجع مذهبی چون مصباح یزدی این بار درکنار وظیفه همیشگی خود یعنی مهار جنبش های اعتراضی کارگران، دانشجویان و بحران سازی در صفوف جنبش انقلابی کردستان و...، اصلاح طلبان حکومتی را نیز تحت عنوان تجدید نظرطلبان فاقد مشروعیت برای اداره حکومت اسلامی موردحمله قرار دادند تا بر این بستر زمینه های تصرف کامل همه قوا را فراهم آورند، و حکومت را براساس انطباق اسلام بر منافع خود بر جامعه حاکم گردانند.

لذا در کنار ارباب های روزمره، مصباح یزدی بعنوان سخنران پیش از خطبه های نماز جمعه تهران در یک سلسله سخنرانیهای که توسط صدا و سیما تحت مدیریت علی لاریجانی نیز رله می شد، به بازنگری اصول و مواضع اسلامی پرداخت. با الهام از این سخنرانیها بود که هواداران این لایه سوای سازماندهی تدریجی خود، اصلاح طلبان حکومتی را فاقد مشروعیت برای اداره یک حکومت دینی ارزیابی کردند و خود را برای تصرف مجدد قدرت و بازگشت به متن آماده می کردند.

ترور حجاریان بدنبال یکی از سخنرانیهای مصباح یزدی در نماز جمعه صورت گرفت که نه تنها خود مصباح را به چهره ای جنجالی تبدیل کرد، بلکه خود رویداد به جنجالی رسانه ای تبدیل

شد. جدال و کشمکش که در یک قطب آن اصلاح طلبان حکومتی و در قطب دیگر آن هواداران این گرایش قرار داشتند و درباره واژه‌هایی چون "خشونت و ترور در اسلام"، "تساهل و تسامح"، "روشنفکر دینی"، "حکومت فقهاتی و جایگاه ولی فقیه" و ... مقالات و کتابهای فراوانی از هر دو طرف به رشته تحریر در آمد.

برخی از سخنرانیهای جنجالی مصباح که این جدال رسانه‌ای را دامن زد اینها بودند :

"وظیفه دینی و غیرت دینی به ما اجازه نمی دهد که شاهد اهانت به مقدسات اسلام باشیم و ساکت بمانیم. اسلام برای دفاع از مقدسات دینی، خشونت را تجویز کرده است. وقتی اسلام و مقدسات از جان و مال خود و فرزندانمان عزیزتر است، ما می توانیم برای دفاع از آنها حتی جان خود را به خطر افکنیم. از این جهت اگر کسی به مقدسات دینی توهین کرد، انسان می تواند او را مجازات کند. " مگر این اقدام او موجب فساد بیش تری باشد.

"بازی ترور نوشته عبدالمجید اشکوری، حمید رسایی انتشارات کیهان"

و در جای دیگری چنین می گوید :

" نکته دیگر، این بنده هیچ فتوای خلاف مسلمات فقهی شیعی نداده‌ام. بنده همان فتوای حضرت امام در مورد سلمان رشدی را دادم، کسی که اهانت به مقدسات اسلام کرده، مهدورالدم است. سلمان رشدی رادر هیچ دادگاهی محاکمه‌اش نکردند، فتواست و برای کسی که ثابت شد او علیه مقدسات اسلامی توهین کرده، خونس هدر است. این فتوای بنده نیست، فقط، فتوای علمای این زمان هم نیست، همه فقهای اسلام از شیعه و سنی، بر این فتوای اتفاق دارند. اختلاف بین شیعه و سنی در این است که آیا فقط توهین به شخص پیغمبر اسلام این مجازات را دارد یا نسبت به سایر مقدسات و ائمه اطهار مثل توهین به پیغمبر اکرم است و آنها فقط در مورد پیامبر اکرم می گویند. پس این فتوای من نیست، اتفاق شیعه و سنی است. البته اگر ولی فقیه منع کند و بگوید به تشخیص خودتان عمل نکنید، یعنی مصلحت نداند هرکس به تشخیص خودش عمل کند، از باب اطاعت از ولی فقیه، نباید هر کس به تشخیص خودش عمل کند..." "همانجا"

\*

\*

\*

مبارزه طبقاتی و تحولات اجتماعی در این دوره شکل یک مثلث را به خود گرفته بود، از یک طرف جنبشها و تحركات اعتراضی طبقه کارگر، زنان، دانشجویان و مردم کردستان قرار داشت که در خارج از مدار و جدال جناحها مسیر خود را علیه هر دو جناح طی می کرد و خوشبختانه توانست به یک سری از تجارب و دستاوردها و شیوه‌های مبارزاتی نوین برای مقابله با رژیم بویژه در عرصه سازمانیابی دست یابد و آنها را تثبیت نماید، و از طرف دیگر جناح‌های حاکمیت قرار

داشتند که بر سر تصرف قدرت و حذف همدیگر جدال خود را ادامه می دادند. اصلاح طلبان حکومتی که در پی عدم تحقق وعده‌های بی اساس و عوامفریبانه‌شان بتدریج در میان مردم بی‌اعتبارتر می شدند، و رویگردانی توده‌های مردم به خود را تجربه می کردند، توان خود در مقابله با جناح رقیب را نیز از دست دادند. بدین ترتیب ابتداء در نمایش شوراهای شهر و روستا، سپس مجلس هفتم و در نهایت و آنطوریکه پیش بینی می شد، بازی بر سر پست ریاست جمهوری را به رقیب باختند. امروز همانطوریکه شاهد هستیم افراطی‌ترین لایه جناح راست - سپاهیان و امنیتی‌ها - در این سه نهاد یعنی شوراها، مجلس و قوه مجریه دست بالا را دارند و اصلاح طلبان حکومتی نه تنها قدرت در این نهادها را از کف داده‌اند، بلکه خود پراکنده و سردرگم هنوز هم نتوانسته‌اند به یک اجماع برای اتخاذ آرایشی مناسب برای ایفای نقش در اپوزسیون حکومتی برسند.

این تغییر جایگاه همانطوریکه مختصراً اشاره شد در متن یک جدال و کشمکش واقعی صورت گرفت، اما تصرف قوای مجریه و مقننه توسط این لایه که در نظر دارد درگام بعدی با حذف لایه‌های دیگر جناح راست حکومتی، مجلس خبرگان رهبری را تصرف کند\*\*، تنها در متن زدن مهر عدم مشروعیت مردم به ستوه آمده به کل نظام میسر شد. مردم تحت ستمی که طی ۲۷ سال گذشته حاکمیت یک نظام اسلامی و طی ۸ سال اخیرگرایی لیبرالی بر زندگی خود را تجربه کرده و از همه آنها رویگردان شده بودند.

بنابراین تا آنجائیکه به کارگران و زحمتکشان، به زنان مورد تبعیض قرار گرفته و به مردم کردستان و بسیاری دیگر از اقشار تحت ستم در ایران برمی‌گردد با تحریم و بایکوت نمایش انتخابات در یک همصدائی گسترده یکبار دیگر مهر عدم مشروعیت را به این نظام زدند. و در واقع نشان دادند این حکومت، حکومت مردم نیست، حکومت تحمیلی بر مردم است.

اما علی‌رغم این، سرشت مذهبی جمهوری اسلامی در این است که اعمال حاکمیت بر مردم را نه از مشروعیت مردمی بلکه از منشاء فکری‌اش در ورای آسمانها جستجو می کند و اراده مردم بعنوان منشاء حاکمیتش محلی از اعراب ندارد، از این منظر مردم ایران امروز با پدیده‌ای روبرواند که بیشتر از دوره‌های پیش از خود بر این اصل پافشاری می کند و این پیامدهای خاص خود را دارد که باید مورد توجه کارگران و زحمتکشان و نیروهای چپ و رادیکال قرار گیرد.

البته که دولت احمدی نژاد، همانند همه دولت‌های تاکنونی این نظام، دولتی مدافع سرمایه‌داری، ضد کارگر، زن ستیز و ضد آزادی و عقاید مخالف و منتقد است، و به این اعتبار در روندهای اصلی حرکت سرمایه از جمله اقتصاد و انطباق آن با روندهای جهانی تغییری بوجود نیامده است. روند

خصوصی سازیها با همان شتاب ادامه خواهد یافت. اما در عین حال این دولت دارای صفات و ویژگی‌هایی است که می‌تواند به درجاتی منحصر به فرد باشد. در همین عمر کوتاه چندماه‌اش نشانه‌های دارا بودن چنین صفات و ظرفیتهایی در تمام حوزه‌های زندگی مردم فرودست را از خود بروز داده است. اعضای کابینه احمدی نژاد بر اساس نظرات مصباح یزدی تعیین شده‌اند و عناصر بیشتری از طلبه‌ها و شاگردان مدرسه حقانی و نورچشمی‌های مصباح یزدی در ستاد احمدی نژاد جا گرفته و شمار دیگری بعنوان مشاورین و معاونین انتصاب شده‌اند. به این اعتبار عناصر اصلی و کلیدی این دولت را کسانی در می‌برگیرند که با تفکر و اندیشه خاصی در درون نظام اسلامی شناخته می‌شوند، آنها پیروان مکتب و اندیشه‌های خشونت آمیزی هستند که مصباح یزدی فرموله کننده آنست.

او در یکی از همین سخنرانیها دیدگاههای خود در باره خشونت در اسلام را چنین تشریح می‌کند:

"بنده در جهت انجام وظیفه خویش، تصمیم گرفتم که بت نفی مطلق خشونت را بشکنم و این تصور را که هر خشونتی بد است و هر نرمشی مطلوب است، نفی کنم. از این جهت در جلسه قبل عرض کردم که این طور نیست که مطلق خشونت محکوم و مذموم باشد و مطلق نرمش مطلوب باشد، بلکه هر کدام از آنها با قیودی و درچارچوبه‌ای مطلوب هستند.

همچنان که همین سخن را در بحث آزادی نیز داشتم و گفتم که آزادی مطلق مردود است و آزادی در چارچوبه ارزش‌های دین و اسلام مطلوب است. امروز نیز اگر می‌گوییم خشونت مطلقاً مذموم نیست، بدان جهت است که عده‌ای در پرتو نفی مطلق خشونت، هر حرکتی را که دفاع از اسلام و ارزش‌های اسلامی انجام می‌گیرد، خشونت آمیز و نامطلوب قلمداد می‌کنند و آن را محکوم می‌کنند.

\*

\*

\*

و یکی دیگر از سلسله سخنرانیهایش دیدگاه خود در باره حکومت و اجراء را چنین تشریح می‌کند:

" درست است که مجرم باید مجازات شود، سؤال این است که چرا شخص خاصی باید متصدی آن شود و نه دیگری؟ کمارده شدن افراد خاصی برای اجرای قانون و مشروعیت یافتن رفتار آنها باید برخوردار از دلیل و ملاک باشد، چون رفتار آنها نوعی تصرف مالکانه در انسان‌هاست. کسی که مجرم را زندانی می‌کند، در حوزه وجودی او تصرف می‌کند و اختیار و آزادی را از او سلب می‌کند و او را در فضای محدودی محبوس می‌کند و اجازه نمی‌دهد که به هر کجا خواست

برود. چون برخورد با مجرمان و متخلفان به معنای سلب آزادی و سلب حقوق آنهاست و تصرف مالکانه در انسان‌ها محسوب می‌گردد. در بینش اسلامی، ملاک مشروعیت قوه مجریه، چیزی غیر از رای اکثریت مردم است. ملاک مشروعیت اذن خداوند است، چون انسان‌ها همه بنده خدا هستند و خدا باید اجازه دهد که دیگران در بندگان ولو بندگان مجرمش تصرف کنند. هر انسانی - حتی افراد مجرم - برخوردار از آزادی هست و این آزادی موهبتی الهی است که به همه انسان اعطا شده است و کسی حق ندارد این آزادی را از دیگران سلب کند. کسی حق سلب آزادی از افراد مجرم را دارد که مالک آنها باشد و او خداوند است.

بدین ترتیب، در بینش و رویکرد اسلامی، علاوه بر آنچه در همه نظام‌های انسانی و عقلانی برای شکل‌گیری قوه مجریه و اساساً "حکومت لازم شمرده شده، معیار و ملاک دیگری نیز لازم است که ریشه در اعتقادات و معارف اسلامی دارد.

بر اساس اعتقاد ما خداوند رب و صاحب اختیار هستی و انسان‌هاست. چنین اعتقادی ایجاب می‌کند که تصرف در مخلوقات خدا حتماً باید به اذن او صورت گیرد. از طرف دیگر، قوانین که چارچوبه‌های رفتار بهنجار شهروندان را مشخص می‌کند و بالطبع موجب تحدید آزادی‌ها می‌شود، خود به خود اجراء نمی‌گردند و نیازمند دستگامی است که به اجرای آنها بپردازد و در نتیجه باید حکومت و قوه مجریه برخوردار از قوه قهریه شکل گیرد و شکی نیست که حکومت و قوه مجریه، بدون تصرف در مخلوقات خدا و محدود ساختن آزادی افراد سامان نمی‌یابد و گفتیم که تصرف در مخلوقات، حتی در حد سلب آزادی مجرمان و تبهکاران از سوی کسی روا نیست که دارای چنین اختیاری باشد و این اختیار و صلاحیت فقط از سوی خداوند به دیگران واگذار می‌شود؛ چون او مالک و رب انسان‌هاست و می‌تواند به حکومت اجازه دهد که در مخلوقات او تصرف کند.

" امتیاز نظریه ولایت فقیه بر سایر نظریات مطرح شده در فلسفه سیاست و در باب حکومت، به این است که آن نظریه از توحید و اعتقادات اسلامی ریشه می‌گیرد. در این نظریه حکومت و تصرف در انسان‌ها باید مستند به اجازه الهی باشد." در مقابل، اعتقاد به این، تصرف قانونی در حوزه رفتار و آزادی‌های دیگران، لازم نیست منوط به اجازه خداوند باشد، نوعی شرک در ربوبیت است. یعنی متصدی اجرای قانون اگر چنین اعتقادی داشته باشد که حق دارد بدون اذن و اجازه الهی در بندگان خدا تصرف کند، در واقع ادعا می‌کند؛ همان طور که خداوند حق تصرف در بندگان را دارد، من نیز مستقلاً حق تصرف در آنها را دارم و این نوعی شرک است. البته نه شرکی که موجب ارتداد شود، بلکه شرک ضعیفی است که از کج اندیشی و کج فکری ناشی می‌گردد و در پرتو آن عصیان و لغزش رخ خواهد داد و این گناه کوچکی نیست. چطور کسی خود

را هم سطح خداوند می داند ومدعی است، همان طور که خداوند در بندگانش تصرف می کند، من نیز با تکیه بر رای و انتخاب مردم این حق را دارم که در آنها تصرف کنم.  
بر گرفته از کتاب "بازی ترور" تحلیلی مستند از ناگفته ها از ترور حجابیان

\*

\*

\*

افرادی که برای تصدی امور در دولت احمدی نژاد با مشاورت مصباح یزدی تعیین شده اند از طرفداران پر و پا قرص این گرایش اند. مصطفی پورمحمدی وزیر کشور، علی جنتی، از شاگردان مدرسه حقانی معاون سیاسی وزیر کشور، محسنی اژه ای وزیر اطلاعات و ازطلاب قدیمی مدرسه حقانی، داوودی معاون اول رئیس جمهور و معاون قبلی اقتصادی قوه قضائیه و از شاگردان مصباح مهدی چمران سخنگوی "آبادگران" و مشاور رئیس جمهور در امور شوراها و شهرداریها، حجت السلام محمد مصلحی چشم و گوش مصباح یزدی مشاور رئیس جمهور در امور روحانیان، صفار-هرندی وزیر ارشاد و از همکاران نزدیک شریعتمداری در کیهان، منوچهر متکی وزیر خارجه و از سازماندهندگان ترور فعالین اپوزسیون در خارج از کشور، جمال کریمی راد وزیر دادگستری و دادستان اوائل انقلاب در کرستان تنها شماری از طلبه های مدرسه حقانی و نزدیک به مصباح یزدی هستند که به دولت احمدی نژاد راه یافته اند. در سطح مدیران و استناداران نیز این روند پیش رفته است. روز چهارشنبه ۶ مهرماه ( ۲۸ سپتامبر) وزیر کشور در پاسخ به منتقدان گفت :

"چه اشکالی دارد مسئولان اطلاعاتی در مناصب مختلف قرار گیرند"

حائری شیرازی نیز در باره وزرای کشور و اطلاعات می گوید :

"آنها از شاگردان خوب من در مدرسه حقانی بودند."

این مجموعه، از رهنمودها و مشاوره های فکری حسین شریعتمداری مدیر مسئول کیهان، هفته نامه یاالشارات حسین، "پرتو سخن" که زیر نظر مصباح اداره می شود، و شخص مصباح یزدی که پشتوانه فکری احمدی نژاد اند، برخوردارند و با رهنمودهایشان تغییر در مدیریت ها را به رئیس جمهور و دولت توصیه می کنند، و در سیاست گذاری دولت در همه قلمروها بخصوص در کنترل زندگی خصوصی شهروندان نقش و دخالت تعیین کننده دارند. همانطوریکه گفته شد، بسیاری از تغییر مدیریت ها در این روزها با دخالت و رهنمود این عناصر صورت گرفته است. احمدی نژاد روز سه شنبه ۵ مهرماه (۲۷ سپتامبر) برای دومین بار در قم به دیدار مصباح یزدی رفت. و خبرگزاریها دو سخنرانی از او را در جمع حوزه آئینها مخابره کردند.

شناخت خصوصیات و ویژگیهای دولت احمدی نژاد و پشتوانه فکری وجهت گیریهای آن ضروریست. گرایشی که امروز حاکمیت را دارد علاوه بر داشتن خصوصیات یک سیستم و حاکمیت سرمایه دارانه

و تبعیت از اصول وقوانین استعمار، بدنبال اجرای اصولهای اسلامی در همه حوزه‌های زندگی مردم است. این جهت‌گیریها پیامدهای خود را به دنبال دارد.

اجرای بی‌کم و کاست قوانین اسلامی در همه حوزه‌های زندگی مردم فرودست درایران به معنای بازپس‌گیری هرچه بیشتر هرگونه اعمال اراده‌ای از آنها که خود مستلزم برقراری خشن‌ترین سرکوبها در جامعه است. این خود یعنی رویارویی همه جانبه با کارگران و زحمتکشان، با زنان و مردم کردستان است که نشانه‌های آن را در اقدامات زیر می‌بینیم.

افزایش شمار اعدامها در ملاء عام، دستگیریهای گسترده درکردستان و نگهداری زندانیان بدون محاکمه شماری از دستگیر شدگان اعتراضات تیر و مرداد درکردستان، اجرای طرح ایست و بازرسی بسیج درمحلات تحت عنوان " رزمایش کوی و برزن " ، به خیابان ریختن ماموران نهی از منکر و دستگیری شمار زیادی از زنان و دختران تحت عنوان بی‌حجابی و بدحجابی، تقویت ۲هزار گردان عاشورا تحت عنوان "رزمایش دفاع شهری"، حمله یگان‌های ویژه و دستگیری جوانان و جوانان بیکار و دردمند تحت عنوان "پاکسازی ارزدل و اوباش" دراجرای طرحی ۲۰ روزه درتهران، با استقرار نیروهای انتظامی، امنیتی، سپاه و بسیج در خیابانها، جداسازی هرچه بیشتر زنان و مردان با طرح ایجاد خطوط اتوبوسرانی ویژه بانوان که از اول مهرماه در تهران به اجراء درآمده است، کنترل بیشتر بر کاروانهای عروسی، تعیین یک هیئت منصفه مطبوعاتی از عناصر شناخته شده‌ایی چون عسکراولادی که ضدیت آنها با آزادی عقیده و بیان جای هیچ انکار و تردیدی نیست که خود به معنای راه افتادن چرخه بیدادگاههای مطبوعاتی و اعمال هرچه بیشتر سانسور، بر نشرکتاب و مطبوعات منتقد است و ...

این رویدادها، و تغییر و تحولات گسترده‌ای که در نیروی نظامی و انتظامی کشور و وزارت اطلاعات در جهت گسترش فضای امنیتی و میلیتاریزه کردن فضای حاکم بر شهرها و نظامیگری صورت می‌گیرد، تنها در مدت بسیار کوتاه دو ماهه‌ای اتفاق افتاده است.

بلحاظ اقتصادی اما، هیچ نشانه‌ای از تحقق شعاری که احمدی نژاد با سردادن آن به جدال رقبایش در هر دوجناح راست و اصلاح طلب رفت، و بر موج سوار شد دیده نمی‌شود، برعکس روند خصوصی سازی با سرعت هر چه بیشتری ادامه دارد. این روند پیامدی جزء خانه خرابی هرچه بیشتر برای کارگران به دنبال نداشته است. بنابراین شعار عدالت اجتماعی احمدی نژاد تنها وسیله رسیدن به مقصود بود.

جالب است اگر چند اعتبار تصویری هیئت دولت را از نظر بگذرانیم. یکی از اولین اعتباراتی که توسط معاون اول رئیس جمهور تصویب آن از جانب هیات دولت معرفی شد، اختصاص پنج میلیارد

ریال از محل هزینه‌های پیش بینی نشده به منظور توسعه خطوط ریلی و ایستگاه خط آهن "مسجد جمکران" و ۱۰ میلیارد ریال جهت تکمیل اردوگان نسل نو وابسته به بنیاد فرهنگی حضرت مهدی واقع در محدوده مجموعه مسجد جمکران است. جمکران محلی است در ۷ کیلومتری قم که طبق افسانه‌ها، مهدی امام دوازدهم شیعیان در یک شب در آنجا ظاهر شده و به مالک زمین دستور داده تا مسجدی در آن بنا سازد. احمدی نژاد پیر و جنبش مهدویت است و علاقه و ارادت خاصی به قم و این مکان مقدس دارد.

شکی نیست که مشکلات و مصائب معیشتی مردم کارگر و زحمتکش با این دولت نه تنها حل نخواهد شد و رنج و آزارهایشان کاهش نخواهد یافت، بلکه خود این دولت به امل‌المصائبی برای فرودستان تبدیل خواهد شد.

بدون شک تمام این اقدامات سرکوبگرانه با مقاومت مردمی در ابعاد اجتماعی روبرو خواهد شد و ما شاهد رویارویی گسترده توده‌ایی با این دولت و کل نظام اسلامی خواهیم بود.

**\*\* پنج شنبه ۷ مهرماه (۲۹ سپتامبر)**

**شاگردان مصباح یزدی در فهرست خبرگان رهبری**

بنا به گزارش سایت آفتاب، گفته می‌شود طیف رادیکال فهرست اولیه خود را برای انتخاب خبرگان رهبری را تدوین کرده‌اند. در این فهرست نام شاگردان مصباح یزدی برجسته‌تر از دیگران است.